

(کشکول)

ازین پس قسمتی که (کونا کون) نام داشت در این مجله
بنام (کشکول) نام بردار خواهد شد.

وحید

قسمت های تاریخی مفید ذیل از جنگ کهن سال که در کتاب
خانه نگارنده موجود است نقل گردید

(تاریخ وفات اساتید سخن)

تاریخ وفات حکیم سنائی . سنه خمس و عشرين و خمسمائه
تاریخ وفات شیخ عطار . سبع و عشرين و ستمائه و میگویند عمرش صد و
چهارده سال بوده

وفات شیخ سعدی . شب جمعه دهم ماه شوال سنه احدی
و تسعین و ستمائه بوده .

وفات شیخ عراقی . هشتم ذی قعدة سنه ثمان و ثمانین و ستمائه .

وفات میرحسینی سادات . ششم شوال سنه ثمان عشر و سبعمائه .

وفات شیخ اوحدی اصفهانی صاحب بیباک جم . سنه ثمان و ثلاثین

و سبعمائه و قبروی در مراغه تبریز است .

تاریخ فوت حکیم نظامی مذکور نیست اما تاریخ اسکندر نامه

که آخرین کتابهای خمسه است سنه اثنین و تسعین و خمسمائه بوده

و عمر وی در آنوقت از شصت گذشته بوده . (۱)

(۱) حکیم نظامی هنگام رحلت امیر خاقانی شیروانی زنده بوده و برای

او بیت گفته چنانچه یک بیت از آن مرتبه در تذکره ها ثبت است

همی گفتم که خاقانی درینا گوی من باشد درینا من شدم آخر درینا گوی خاقانی

وفات خاقانی مطابق تحقیقات فاضل دانشمند آقای میرزا محمد علی خان

ناصح که در شماره های سال پنجم ارمغان ثبت است سنه پانصد و نود و پنج

است و بعد از آن معلوم نیست که نظامی چند سال زنده بوده است

وفات امیر خسرو دهلوی . شب جمعه بوده در سنه خمس و
عشرین و سبعمائه .

وفات کمال خجندی . در سنه ثلاث و ثمانمائه بوده و قبر وی در تبریز
است و بر لوح او نوشته اند :

کمال از کعبه رفتی بردریار هزارت آفرین مردانه رفتی
وفات مولینا محمد سری مشهور بمغربی . در سن شصت سالگی در
شهور سنه تسع و ثمانمائه بوده .

وفات خواجه حافظ شیرازی . در سنه انبیین و تسعین و
سبعمائه بوده .

شهادت شمس الدین تبریزی . سنه خمس و اربعین و ستمائه
بوده و مدت مصاحبت مولانای رومی با شمس الدین سه سال بوده
ولادت سلطان بهاء الدین ولد . فرزند مولوی در سنه ثلاث و عشرین
و ستمائه بوده و وفات وی در شب شنبه هفتم ماه رجب سنه اثنی عشر
و سبعمائه بوده و مدت عمر وی هشتاد و نه سال بوده تقریباً ،

*** پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وفات حسن بصری و فرزدق شاعر و جریر در سنه عشر و دائة بوده .
و هب بن منیه و زهری و مالک دینار و هندی و رابعه و اعمش
و عاصم در زمان امام جعفر علیه السلام وفات یافتند .

(القاب در ایام ملوک سلف)

ملوک سلف امرا و بزرگان را حسام الدوله و سیف الدوله و
شمس الدوله لقب دادندی . وزرا و خواجگان را عمید الملك و قوام-
الملك و نظام الملك و ائمه و قضات را امجد الدین و شرف الاسلام و سیف السنه
وزین الشریعه و امثال آن . ملوک سامانیه را امیر عادل و امیر سعید
و امیر حمید لقب بود . صاحب بن عباد وزیر فخر الدوله کافی الکفاة

واحمد حسن وزیر محمود غزنوی شمس الکفایه لقب داشتند . و بعهد
سلاجقه غیر از وزیر و طفرائی و مستوفی و عارض و عمید بغداد و عمید
خراسان و خوارزم هیچکس را فلان الملك نگفتندی و از ایشان فروتر
را خواجه رشید و سدید و مختص و امثال آن لقب گذاردندی . بعد از
محمود سبکتکین اکثر ملوک ترک خود را خان و قان گفتندی و لفظ
خاقان مرکب است ازین دو لقب و اکنون سرملوک توران را خان
خوانندگان شاهزادگان و امرار را بی و وال . امیر تیمور کورکان را میرزا
گفتندی و آن مختصر امیرزاده است . ظهیر الدین محمد بایر شاه پادشاه
غازی بیادشاه ملقب گشت و اکنون شاهزادگان را سلطان خوانند
و امرار را خان لقب نهند . ملوک روم که مسلمان بودند قیصر گفتند
و در اسلام سلطان و اکنون خواندگار و شاهزادگان را چلبی و امرار
پاشا لقب نهند . ملوک ال حمیر را که سلاطین یمن بودند تبع گفتند
سلطان شام را قبل از اسلام هرقل و بعد از آن ملک عادل و ملک قاهر
لقب نهادند . و حکام غرجستان را مشار و ملک هند را رای و راجه و اکنون
امرای هند درگاه پادشاه جهان پناه آن لقب را دارند . و ملوک گیلان را
کارگیاه و ملاحظه را خوانند (۱) خواندندی و ملوک فرنک را ری (۲)
و امرار را کاپتان خواندند (از تاریخ شاهد صادق)

تقریظ

بر دفتر رسم المشق آقای عماد الکتاب

بقلم آقای دبیر خاقان

بداهت محاسن حسن خط در نزد ارباب خبرت و بصیرت نه باندازه
ایست که محتاج بتوضیح باشد . این نکته بر همه کس مبرهن است
(۱) گویا کلمه آخوند از این ماخوذ باشد زیرا ریشه آن در لغت
غیر از این یافت نمیشود (۲) احتمال می رود این کلمه (ارای) باشد و الف
آن از قلم کاتب افتاده است